فرهنگ نیایش در قرآن کریم

شریفی اصفهانی، مهین

چکیده: آیات بسیاری از قرآن کریم عهده‏دار خطاب بندگان به خدا یا گفتگوی قشرهای مختلف مردم با خداست. این خطاب‏ها و گفتگوها غالبا با الفاظ رب و ربنا آغاز شده‏اند. نیایش‏های قرآنی از حیث محتوا بر سه قسم است: الف) نیایش‏های درخواستی و مطالبانه؛ ب) اعتراف‏آمیز و معترفانه؛ ج) شکوه‏آمیز و معترضانه.

در این پژوهش با اشاره به انواع نیایش‏های قرآنی محتوای اغلب آن‏ها در جدولی فهرست شده‏اند.

کلید واژه‏ها: خطاب، گفتگو، نیایش، درخواستی، اعتراف، معترضانه.

فرهنگ نیایش در قرآن

آیات بسیاری از قرآن کریم، عهده‏دار بیان خطاب بندگان به خدا یا گفتگوی قشرهای مختلف مردم با خداست. این گونه آیات، روایتی از گفتگوی دو سویه بندگان و خداست. خطاب‏های بندگان به خدا در قرآن که اصطلاحا دعا یا نیایش نامیده می‏شود به اعتبار پاسخ بر سه نوع است:

الف) گاه گفتگویی دو سویه یعنی همراه با پاسخ است (بقره / 260؛ اعراف / 155-156 و...)؛ ب) در مواردی نیز فقط به اجابت این نیایش‏ها ــ مستقیم یا غیرمستقیم ــ اشاره شده است (صافات / 100؛ انبیا / 83-84؛ شعراء 18-19 و...)؛

ج) گاهی نیز این خطاب‏ها مسکوت و بدون پاسخ عنوان شده‏اند (ص / 35؛ اعراف / 151 و...)

البته نباید نادیده انگاشت که سکوت خداوند نیز در واقع نوعی پاسخ است چنان‏که برخی گفته‏اند چون خداوند به بندگانش امر فرموده که ادعونی استجب لکم استجابت وعده اوست و معقول نیست که دعای غیر مستجابی را در قرآن ذکر کند، از این‏رو سکوت او دلیل بر استجابت است و غیر مستجاب بودن دعا ــ که برخلاف قاعده است ــ باید ذکر شود (طباطبائی 1363: ج 8، 359).

در مکالمات و محاورات انسانی نیز، اگر مخاطب گاهی سکوت اختیار کند حمل بر بی‏سخنی و بی‏پاسخی او نخواهد شد. افزون براین، حضور آدمی در محضر بزرگی و بازگویی کاستی‏ها و نیازهایش، اگرچه گوینده صرف باشد نیز مغتنم خواهد بود.

از سوی دیگر، باید توجه داشت که انسان‏ها دعایی غریزی و درخواست‏هایی فطری دارند، یعنی به هنگام بروز سختی و مشکلات به زبان فطرت از پرودگار خود حاجت می‏طلبند و کمک می‏جویند (انعام / 63؛ زمر / 8، یونس / 12؛ روم / 32 و...) این نیاز فطری نباید با گفتگو خلط شود، زیرا گفتگو امری اختیاری و انتخابی است و شکل ارتقاء یافته و صورت بالنده دعای فطری و طبعی است. رابطه این دو، عموم و خصوص مطلق است نه تطابق و تماثل. پیامبران این نیاز فطری را پرورش داده و در گفتگو متجلّی ساخته‏اند. خطاب‏ها و گفتگوهای بندگان و خدا غالبا با الفاظ ربّ و ربّنا آغاز شده‏اند(1) و موارد معدودی نیز با تعبیر اللهم و سبحانک به کار رفته است. گاهی نیز، خطاب بندگان به خدا بدون استفاده از الفاظ تشریفاتی رب، ربنا و... است(2) که یکی از زیباترین این موارد خطاب آدمیان به خدا در سوره حمد است. در

1. کلمه ربنا 70 بار برای خطاب به خدا به کار رفته و کلمه رب 65 بار، تعبیر سبحانک 9 مورد و اللهمنیز 5 مورد آمده است که در یک مورد آن، ترکیب سبحانک اللهم، به کار رفته است (یونس / 10)، تعبیر یا رب نیز تنها در چند آیه آمده است مانند آیات 88 سوره زخرف و 30 سوره فرقان که هر دو شکایت پیامبر (ص) (از قوم خود) است.

2. این موارد، بسیار معدود و تنها در چند آیه آمده است مانند آیه 10 / قمر و آیه 83 / انبیاء.

این سوره که سراسر، گفتگوی بنده با خداست (طباطبائی 1363: ج 1، 21) آدمیان، بدون هیچ تشریفاتی از خداوند درخواست می‏کنند که اهدنا الصراط المستقیم .

در پاره‏ای از خطاب‏هایی که در آن ابزار خطاب (رب، ربنا و...) به کار رفته‏اند، پس از این الفاظ، ساختار امر و نهی آمده است،(1) این خطاب‏ها غالبا حامل درخواست و مطالبه است، گاه نیز پس از ابزار خطاب، جمله‏های اخباری یا انشایی استفهامی آمده است این چنین عباراتی نیز گاه به معنای درخواست و مطالبه است.

با بررسی دقیق عبارات و آیات دعایی قرآن، می‏توان گفت همه ادعیه قرآنی درخواستی و مطالبانه نیست و نیایش‏های قرآنی از حیث محتوا بر سه قسم اند: الف) درخواستی و مطالبانه؛ ب) اقراری و معترفانه؛ ج) شکوه‏آمیز و معترضانه.

نیایش‏های درخواستی و مطالبانه

بیش‏ترین نوع ادعیه قرآنی، نیایش‏های درخواستی و مطالبانه است. این درخواست‏ها ــ جز در مواردی اندک ــ از سوی فرد یا گروهی شناخته شده، آمده است و موضوع آن‏ها نیز غالبا غیرمادی است.

در سوره بقره، قرآن ضمن اشاره به دو گروه نیایشگر، کسانی را که فقط درخواستی دنیایی و مادی دارند مورد نقد و طعن قرار داده، از گروهی که برای دنیا و آخرت خود دعایی کمال‏جویانه دارند به نیکی یاد می‏کند و آنان را به بهره‏مندی از اعمالشان بشارت می‏دهد: فمن الناس من یقول ربنا اتنا فی‏الدنیا و ماله فی‏الاخرة من خلاق (2) و منهم من

1. در 43 مورد پس از ربنا بلافاصله امر یا نهی آمده و در 20 مورد عبارتی غیر امری (خبری، شرطی، پرسشی) و در سایر موارد، مجموعی از عبارات امری و غیر امری پس از ربنا آمده است (مائده / 83). پس از تعبیر رب نیز 29 مورد فعل امر یا نهی و در 27 مورد عبارتی غیر امری آمده است و در سایر موارد نیز مجموعی از عبارات امری و غیرامری پس از این تعبیر به کار رفته است (قصص / 16). پس از اصطلاح سبحانک و اللهم غالبا عبارات، غیرامری است (مائده / 116).

2. این آیه، طعن گروهی است که پس از گذراندن مناسک حج، مردمی کوته بین و دنیا دوست‏اند و از دنیا روی برنمی‏تابند و چشم اندازشان از محیط دنیا و آرزوهای آن فراتر نمی‏رود (طالقانی، 2/95).

یقول ربنا اتنا فی‏الدنیا حسنة و فی‏الاخرة حسنة (1) و قنا عذاب النار (2) اولئک لهم نصیب مما کسبوا و الله سریع‏الحساب (3) (بقره / 202-200)

بی‏شک، حاجات و خواهش‏های انسان، متناسب با تنگی و فراخ وجود اوست. خواسته‏ها و مطلوب‏ها، آینه شخصیت افرادند. هرچه خواست‏ها متعالی است درخواست کننده متعالی‏تر! علوّ و دنوّ خواست‏ها، بازتاب شاکله‏های عالی و دانی است.

گروهی از مردم، تصورشان از دعا ناصواب است. گویا بر در دکانی رفته و کالایی درخواست کرده‏اند و وجهی پرداخته و تحویل کالای خود را به انتظار نشسته‏اند، لذا چنانچه کالای مورد نظر خود را تحویل نگرفته، یا دیر تحویل گیرند، مأیوس و اندوهگین خواهند شد.

انتظار این گروه، آن است که به‏محض درخواست از خدا، طلبشان وصول شود. اینان، نگرشی معامله‏گرانه به دعا دارند و عدم وصول به مطلوب و حاجتشان، آنان را به شکایت از خدا یا ناامیدی از خود سوق می‏دهد. این نگرش از جهاتی نادرست است زیرا دعا، سخن گفتن با خداست که در آن، نفس گفتگو و ایجاد ارتباط با خدا مطلوب و نوعی سود است و نباید انتظار سود دیگری داشت و به بهره‏ای دیگر دل بست.

دعا هم طلب است و هم مطلوب، دعا طریقیت صرف نیست بلکه خود ــ فی‏نفسه ــ موضوعیت و اصالت دارد و نفس گفتگو و معارفه‏ای که در دعاست، مطلوب و مغتنم است.

بدیهی است که مناجات انبیاء، بیش از طلب و درخواست، گفتگوی با خداست و آنجا که طلبی را شامل است، غالبا درخواستی غیرمادی و در جهت اهدافشان است.

1. در نقل قول طالبین دنیا برای درخواست دنیایی هیچ قیدی نیاورد اما در نقل قول خداجویان، هم برای دنیا حسنه ذکر می‏کند هم برای آخرت، زیرا آن‏ها، سیئات دنیا را طالب نیستند (طباطبائی 1363، ج 2، 129).

2. این دعا، از دعاهای جامع قرآنی است زیرا کلمه حسنه، مطلق آمده و شامل انواع خیر است به همین دلیل، بیشترین دعای پیامبر (ص) بوده است (عزة دروزه 1421: ج 6، 361).

3. ترجمه: برخی از مردم می‏گویند، ای پروردگار ما، ما را در دنیا چیزی بخش. اینان را در آخرت نصیبی نیست و برخی از مردم می‏گویند: ای پروردگار ما هم در دنیا خیری بخش و هم در آخرت و ما را از عذاب آتش نگه‏دار اینان از آنچه خواسته‏اند بهره‏مند می‏شوند و خدا به سرعت به حساب هر کس می‏رسد.

گفتنی است مطالبات و حاجاتی که از سوی بندگان، در قرآن طرح شده، گاه مطالباتی اخلاقی و اعتقادی است که اگرچه ظرف این درخواست‏ها دنیاست نتیجه و عواقب آن در آخرت پدیدار خواهد شد (عنکبوت / 30؛ نوح / 28؛ آل‏عمران / 8) و گاه مطالباتی است که ظرف، موضوع و عواقب آن، اخروی است (تحریم / 8؛ فرقان / 65). گاهی نیز مطالباتی است که موضوع و ظرف تحقق آن، دنیاست (آل عمران / 38؛ قصص / 21).

1. این فهرست، مطالبات گنه‏کاران و شیطان را شامل نمی‏شود.

فهرستی1 از درخواست‏های گوناگون که از سوی بندگان (اعم از پیامبران

و غیر پیامبران) در قرآن آمده به تفکیک آمده است:

نیایش کننده درخواست‏ها (مطالبات) سوره آیه

ابراهیم درخواست امنیت (بلدامن) و روزی برای مؤمنین بقره 126

ابراهیم و اسماعیل درخواست قبولی اعمال بقره 127

ابراهیم و اسماعیل طلب مسلمان قرار دادن خود و فرزندان، تعلیم مناسک، پذیرش توبه بقره 128

ابراهیم و اسماعیل درخواست برانگیختن رسولی از میان مردم (به منظور هدایتشان) بقره 129

دنیا دوستان طلب بهره‏های دنیایی بقره 200

خداجویان درخواست حسنه در دنیا و آخرت، دوری از عذاب بقره 201

سپاه طالوت درخواست صبر، پایداری و پیروزی بر کافران بقره 250

ابراهیم درخواست نمایاندن چگونگی احیای اموات (به منظور اطمینان قلبی خود) بقره 260

مؤمنین درخواست غفران و آمرزش خداوند بقره 285

مؤمنین درخواست تکلیف به اندازه طاقت، پیروزی بر کافران، بخشش خطا و نسیان بقره 286

نیایش کننده درخواست‏ها (مطالبات) سوره آیه

اندیشمندان درخواست نبوت بعد از هدایت، و رحمت خداوند آل‏عمران 8

متقین طلب آمرزش گناهان و ایمنی از آتش آل‏عمران 16

همسر عمران درخواست پذیرش نذر خود آل‏عمران 35

زکریّا درخواست فرزندی طیّب آل‏عمران 38

زکریّا درخواست نشانه و آیتی برای خود آل‏عمران 41

حواریّون درخواست نوشتن نامشان در شمار شاهدین آل‏عمران 53

ربیّون درخواست آمرزش گناهان و اسراف در امور، پایداری و پیروزی بر کافران آل‏عمران 147

خردمندان درخواست ایمنی از عذاب آل‏عمران 191

خردمندان درخواست آمرزش گناهان، پوشاندن خطاها و مردن با نیکان آل‏عمران 193

خردمندان درخواست اعطای وعده‏های پیامبران، خوار نکردنشان در روز جزا آل‏عمران 194

مستضعفین درخواست خروج از دیار ظالمین و قرار دادن ولی و یاور برای آنان نساء 75

رهبان نصاری درخواست ثبت نامشان در شمار شاهدین مائده 83

عیسی درخواست نزول مائده آسمانی مائده 114

ساکنان اعراف درخواست قرار نگرفتن در شمار ظالمین اعراف 47

موسی درخواست رؤیت خداوند اعراف 143

موسی درخواست آمرزش خود و هارون و دخول در رحمت خداوند اعراف 151

شعیب و پیروانش درخواست گشایش راه حق میان آن‏ها و مخالفین اعراف 89

ساحران فرعون طلب شکیبایی، و مسلمانی به هنگام مرگ (مسلمان مردن) اعراف 126

قوم موسی طلب نجات و رهایی از کافرین یونس 86

نیایش کننده درخواست‏ها (مطالبات) سوره آیه

قوم موسی طلب عامل فتنه واقع نشدن برای ظالمین یونس 85

موسی درخواست نابودی اموال فرعونیان و سخت کردن قلوبشان یونس 88

ابراهیم درخواست تحول و دگرگونی قلوب مردم ابراهیم 37

ابراهیم درخواست نمازگزار بودن خود و فرزندش و پذیرش دعایش ابراهیم 40

ابراهیم درخواست امنیت شهرش، دوری خود و فرزندانش از بت‏پرستی ابراهیم 35

ابراهیم درخواست بخشش برای گمراهان ابراهیم 36

ابراهیم درخواست آمرزش والدین و مؤمنین ابراهیم 41

زکریا درخواست فرزندی شایسته و جانشینی صالح مریم 6

زکریا درخواست آیت و نشانه‏ای برای خود مریم 10

اصحاب کهف درخواست رحمت و رستگاری کهف 10

موسی درخواست گشایش سینه‏اش، آسانی کارش، گشودن عقده زبانش طه 32-25

موسی قرار دادن هارون به عنوان وزیر و پشتوانه‏اش طه 32-25

یا درخواست تنها (و بی‏وارث) رها نکردنش انبیاء 89

پیامبر درخواست داوری به حق انبیاء 112

نوح درخواست یاری و نصرت در مقابل تکذیب قوم مؤمنون 26

صالح درخواست یاری و نصرت در مقابل تکذیب مردم مؤمنون 39

مؤمنین درخواست آمرزش و رحمت مؤمنون 109

عبادالرحمن درخواست دوری از آتش فرقان 65

مؤمنین درخواست روشنی چشم در فرزندان و همسران، پیشوای پرهیزکاران قرار گرفتن فرقان 74

ابراهیم طلب حکمت و الحاق به صالحین شعراء 83

نیایش کننده درخواست‏ها (مطالبات) سوره آیه

سلیمان درخواست قراردادن وی به عنوان بنده‏ای سپاسگزار و شایسته (صالح) نمل 19

موسی درخواست آمرزش (پس از اعتراف به ظلم خویش) قصص 16

موسی درخواست رهایی از ستمکاران قصص 21

لوط درخواست یاری و نصرت در مقابل مفسدین عنکبوت 30

اهل سبأ درخواست دوری منزلگاه‏هایشان از یکدیگر سبأ 19

ابراهیم درخواست فرزندی صالح صافات 100

سلیمان درخواست آمرزش و ملکی بی‏همتا ص 35

ملائکه درخواست آمرزش مؤمنین، دوری ایشان (مؤمنین) از عذاب، ادخال آن‏ها در بهشت موعود و حفظشان از عقوبت دوزخ مؤمن 9-7

انسان درخواست آموختن سپاس منعم (خدا، والدین)، عمل شایسته و جلب خشنودی خدا احقاف 15

انصار (تابعین) درخواست آمرزش برادران دینی خود (مهاجرین) و جای ندادن کینه مؤمنان در دلشان حشر 10

ابراهیم و یارانش درخواست آمرزش و خوار نشدن در مقابل کافران ممتحنه 5

همسر فرعون درخواست خانه‏ای در بهشت و نجات از فرعونیان و ستمکاران تحریم 11

مؤمنین درخواست تکمیل نورشان (در رستاخیز) و آمرزش گناهان تحریم 8

نوح درخواست نابودی کافران نوح 26

نوح درخواست آمرزش خود، پدر و مادر، مؤمنین و مؤمنات و کسانی که به خانه او داخل شوند (خویشان و نزدیکان) و افزایش هلاکت ظالمین نوح 28

نیایش‏های معترفانه

پاره‏ای نیایش‏های قرآنی مطالبانه نبوده، و جنبه اعترافی دارد. اعتراف در برابر خداوند قادر و عالم (مطلق) ــ به دور از نگاه آدمیان ــ سبب آرامش خاطر و تسلی روح است و در انسان، حسّ جبران‏پذیری خطا را ایجاد می‏کند؛ یعنی هم تخلیه روح و درون آدمی است و هم تحلیه آن! اعتراف به گناهان، نواقص و کاستی‏ها ــ اگرچه در حضور دیگران عامل اشاعه کژی‏ها و ذلت نفس آدمی است ــ در مقابل خداوند نه تنها فزونی صداقت و شجاعت است بلکه اظهار نوعی حقارت مثبت است.

انسان وقتی در مقابل خدای بزرگ قرار می‏گیرد و حقارت خود را باور و تصدیق می‏کند، این حقارت نه تنها مذموم نیست بلکه حقارتی ممدوح و به معنای القای واقع‏بینی (به خود) است. این حقارت، آدمی را به حقیقت خود متوجه می‏کند، حقیقتی که محدود است و حق سرکشی ندارد. اعتراف در مقابل خدای عظیم و با کرامت و اظهار حقارت و محدودیت در پیشگاه او، منجر به رشد آدمی است. گاه این اعترافات، بیان گناهان و آلودگی‏های انسان نیست و برعکس، القای اقاریری سازنده است. از این‏رو، اعتراف سازنده و مؤثر دو گونه است: الف) بیان گناهان، کاستی‏ها و قصورات از سر صدق و خجلت در پیشگاه خداوند (اعراف / 23)، که گاه پیوند میمونی با توبه دارد. و توبه پس از گناه، گرچه کاری بس دشوار و افتادن در دام خجلتی هستی سوز است پذیرفته شدن آن، نعمتی است عظیم و دریاوش که به همه خجلت‏ها می‏ارزد! تلقین و القای اقاریری سازنده و مثبت به روح و نفس آدمی که باعث تعالی و رشد آن است (بقره / 285، آل‏عمران / 9).

پاره‏ای از مضامینی که در نیایش‏های قرآنی، به صورت اعتراف آمده است، مصادیقی برای اعترافات سازنده است و گاهی نیز سخن دل با خدای گفتن است و صرفا نوعی مراوده و ارتباط با خداست (آل‏عمران / 35 و 36؛ مائده / 25 و...).

1. دراین فهرست، اعترافات شیطان و گناه‏کاران لحاظ نشده است.

فهرستی1 از نیایش‏های معترفانه قرآن، عبارت است از:

نیایش‏کننده اعترافات (واقاریر) سوره آیه

مؤمنین اعتراف به رسالت پیامبر(ص) و اطاعت از او بقره 285

اندیشمندان اعتراف به روز حشر، و عدم خلف وعده‏های خداوند آل‏عمران 9

متقین اعترافات به ایمان آوردن خود آل‏عمران 16

همسر عمران بیان اینکه فرزندش را وقف خدمت خدا خواهد کرد (علی‏رغم دختر بودنش) آل‏عمران 35و36

واریون اعتراف به ایمان و اطاعت از رسول آل‏عمران 53

خردورزان اعتراف به عدم بطلان آفرینش هستی، رسوایی اهل آتش و تنهایی ظالمان آل‏عمران 191و192

خردورزان اعتراف به شنیدن صدای منادی ایمان و ایمان آوردن به او آل‏عمران 193

خردورزان اعتراف به خلف‏وعده نکردن خداوند آل‏عمران 194

موسی اقرار به اینکه تنها، مالک (صاحب اختیار) خود و برادرش است مائده 25

راهبان نصاری اقرار به ایمان آوردن خویش مائده 83

پیروان شیطان اعتراف به بهره‏مندی و ارتباطی دوسویه بین آن‏ها و شیاطین انعام 128

آدم و حوا اعتراف به ظلم به خویشتن و خسرانشان (در صورت عدم مغفرت و رحمت خدا) اعراف 23

موسی اعتراف به قدرت مطلق خداوند اعراف 155

قوم موسی بیان توکل خویش بر خدا یونس 85

نوح اقرار به حق بودن وعده پروردگار و احکم الحاکمین بودنش هود 45

نوح پناه بردن به‏خدا از نادانی و اقرار به‏خسران و زیانکاری درصورت عدم‏آمرزش‏و رحمت‏خداوند هود 47

یوسف اعتراف به محبوبیت زندان تن نسبت به آلودگی گناه و اظهار درماندگی و جهل (در صورت نبودن امداد الهی) یوسف 33

نیایش‏کننده اعترافات (واقاریر) سوره آیه

یوسف اقرار به انعام الهی (فرمانروایی و عمل تعبیر خواب) و قدرت خداوند یوسف 101

ابراهیم اعتراف به گمراهی بسیاری از مردم، تأیید پیروان خود، اعتراف به رحمت و مغفرت خداوند (و در خواست بخشش برای گمراهان) ابراهیم 36

ابراهیم بیان مشکلات خود ابراهیم 37

ابراهیم اعتراف به علم و آگاهی خداوند ابراهیم 38

زکریا بیان اینکه از دعای پروردگارش بی‏نصیب نیست مریم 4

موسی و هارون اقرار به ترس از تعدی و طغیان فرعون طه 45

موسی اقرار به این که حرکت وی در راه خدا و برای خشنودی اوست طه 84

مؤمنین اعتراف به ایمان آوردن خود و رحمت بی‏بدیل خداوند مؤمنون 109

موسی اعتراف به بیم داشتن از تکذیب مردم شعراء 12

ملکه سبا اقرار به ظلم به خویشتن، تسلیم بودن در برابر خداوند نمل 44

موسی اقرار به ظلم به خویشتن، همکاری نکردن با گنه‏کاران قصص 16و17

موسی اعتراف به نیازمندی به نعمت‏های خداوند قصص 24

موسی اعتراف به قتل و ترس از قصاص قصص 33

فرشتگان اعتراف به فراگیری رحمت خدا، عزت و حکمت خداوند مؤمن 7و8

فرشتگان اعتراف به اینکه کسی که با رحمت خدا حمایت شود کامیاب است مؤمن 9

انصار (یا تابعین) اعتراف به رحمت و رأفت خداوند حشر 10

ابراهیم و یارانش بیان روی کرد خود به خداوند و توکل بر او ممتحنه 4

نیایش‏های شکوه‏آمیز و معترضانه

1. و یا (به‏ندرت) از خدا شکایت کرده‏اند مانند اعتراف شخص خدا فراموش، به حشر خود به صورت نابینا، (طه / 125)، و یا تهدید معترضانه ابلیس (حجر / 39).

2. در این فهرست، بیانات اعتراض‏آمیز مجرمین ذکر نگردیده است.

در این‏گونه نیایش‏ها، (که شمار آن‏ها به مراتب کمتر از سایر نیایش‏ها است) غالبا بندگان شکوه دیگران را نزد خدا برده‏اند.1 شماری از این نیایش‏ها، نوعی اتمام حجت بوده، ذکر آن‏ها در قرآن هشداری برای سایرین است (فرقان / 30؛ انبیاء / 112؛ منافقون / 10؛ و...) از سوی دیگر، شکوه و رازگویی با خدایی که حلیم، سمیع و علیم است، آرام‏بخش نهاد ناآرام بشر است.

فهرستی2 از این گفتگوهای معترضانه (با خداوند)، به شرح زیر است:

نیایش‏کننده شکایات (بیانات اعتراض‏آمیز) سوره آیه

مریم شکایتی ملایم با بیانی متعجبانه از مادر شدن وی بدون داشتن همسر آل‏عمران 47

بیمناکان از جنگ پرسشی معترضانه در مورد وجوب جنگ نساء 77

زکریا شکایت از ضعف جسمی خود (اعترافی شکوه‏آمیز) مریم 4

زکریا شکایت از پیری خود و نازایی همسر و نداشتن اولاد مریم 8

پیامبر شکایت از مهجوریت قرآن نزد امت فرقان 30

نوح شکایت از تکذیب قوم شعراء 117

پیامبر شکایت از ایمان نیاوردن مردم زخرف 88

مؤمن پشیمان (غیر منفق) شکایتی ملایم از خدا، به‏دلیل تأخیر نینداختن مرگ برای انجام اعمال صالح (به‏ویژه انفاق) منافقون 10

نوح شکایت از قوم در اصرارشان بر کفر و نپذیرفتن دعوت وی نوح 5

نوح شکایت از عدم اطاعت قومش و پیروی از دیگران نوح 21

نتیجه‏گیری

برخلاف آنچه میان مردم رواج دارد همه نیایش‏های قرآن مطالبانه نیست و چنانچه شامل درخواست و طلب باشد به‏ندرت درخواستی مادی است. گفتنی است که مراد از نیایش و دعا در این نوشتار گفتگویی انتخابی و اختیاری با خداوند است نه دعایی غریزی و فطری که به هنگام سختی غالبا بدون اختیار برزبان آدمیان جاری می‏شود. دعا در قرآن به معنای درخواست و مطالبه‏ای یک‏سویه نیست، بلکه گفتگو با خداوند است که در آن نفس ارتباط با خدا اهمیت دارد. در نیایش‏های قرآن استجابت خدا و حتی سکوت او نوعی پاسخ تلقی می‏شود.

در این گفتگوها، آدمیان گاه سخن به شکوه می‏گشایند گاه با اعتراف در محضر پروردگار خود بر عزت خویش می‏افزایند و گاه نیز با طلب خواسته‏های معنوی خویش از خدا یاری می‏جویند. در این‏گونه گفتگوها نه تنها موضوع گفتگو بلکه شیوه آن نیز بسیار درخور توجه است. از سوی دیگر، دعوت به گفتگوی بی‏واسطه آدمیان با خداوند اصل انکارناپذیر قرآن است (بقره / 186).(1)

نیایش اگرچه بیان مطالبات و اعترافات و شکایات انسان‏ها در محضر خداست اما در واقع بهانه‏ای برای رسیدن به بهای گفتگو و معارفه با خداست. آن بهاست که آدمیان را ارتقاء می‏بخشد و جانشان را لبریز از رحمت دریاوش خداوند می‏کند. این بها نباید هزینه آن بهانه شود، زیرا اگر نیایش بهایی در مقابل بهانه‏ها شود ــ گرچه آن هم در جای خود نیکوست و به از خدا فراموشی و غفلت از گفتگوی با خداست ــ نباید حظّ و نصیبی افزون بر همان مطالبه و حاجت را از آن انتظار داشت.

منابع و مأخذ

ابن عاشور، محمد طاهر (بی‏تا) (بی‏نا) تفسیر التحریر و التنویر.

ابن کثیر الدمشقی، اسماعیل بن عمر (1401)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالفکر.

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

1. ترجمه آیه 186 بقره چون بندگان من درباره من از تو بپرسند بگو که من نزدیکم و به ندای کسی که مرا بخواند پاسخ می‏دهم پس به ندای من پاسخ دهند و به من ایمان آورند تا راه راست یابند.

ابی السعود، محمد بن محمد (بی‏تا)، ارشاد و العقل السلیم الی فرایا القران الکریم، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

امین اصفهانی 1361، مخزن العرفان، تهران، نهضت زنان مسلمان.

بروسوی، اسماعیل (1405)، روح البیان، داراحیاء التراث العربی، بیروت.

بغوی، حسین بن مسعود 1407، معالم التنزیل، بیروت، دارالمعرفة.

بهبودی، محمدباقر (1378)، تدبری در قرآن، تهران، نشر سنا.

بیضاوی، ابوالخیر عبدالرحمن (1416)، انوار التنزیل و اسرار التأویل، بیروت، درالفکر.

ثعالبی، عبدالرحمن (بی‏تا)، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

حجتی، سیدمحمدباقر، بی‏آزار شیرازی، عبدالکریم (1378)، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

حسینی البحرانی، هاشم (1415)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت.

زرقانی، محمد عبدالعظیم (1996)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر.

زمخشری، محمود [بی‏تا]، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل، بی‏نا.

زیدان، عبدالکریم (1418)، المستفاد من قصص القران للدعوة و الدعاة، مؤسسه الرسالة.

سنبل، احمد (1998)، الحوار القرآنی بین التفسیر و التبعیسر، دمشق، دارابن هانی.

طباطبائی، محمدحسین (1363)، المیزان فی تفسیر القرآن (ترجمه محمدباقر موسوی همدانی) قم، دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن (1379)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی.

طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن (1409)، التبیان فی تفسیر القرآن، قم، مکتب الاسلام.

عزة دروزه، محمد (1421)، التفسیر الحدیث، بیروت، درالغرب الاسلامی.

فضل الله، محمدحسین (1405)، من وحی القران، بیروت، دارالزهرا.

قرطبی، محمد بن احمد (1372)، الجامع لاحکام القرآن، قاهره، دارالشعب.

قمی، علی بن ابراهیم (بی‏تا)، تفسیر القمی، قم، مؤسسه دارالکتاب.

معرفت، محمدهادی (1398)، التهید فی علوم القرآن، قم، مطبعة مهر.

مکارم شیرازی، ناصر (1353)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتاب الاسلامیة.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم صدرالدین شیرازی (1366)، تفسیرالقرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار.

مویل، محمد کمال (1420)، الحوار فی القرآن الکریم، دمشق، دارلفارابی.

نسفی، عبدالله بن احمد (بی‏تا)، تفسیر النسفی، بی‏نا.

وقفی، ابراهیم احمد (1414)، الحوار لغة القرآن الکریم و السنته النبویه، دارالفکر العربی.

همدانی، محمدحسین، (1380)، انوار درخشان در تفسیر قرآن، تهران، کتابفروشی لطفی.